

لزوم هدایت همگانی از ناحیه خدای سبحان

از آن جایی که مقصود حقیقی انسان، نیل به کمال مطلق و قرب خدای سبحان است، فقط چیزی به حال راه و هدفش سودمند است که از خداوند باشد...



از آن جایی که مقصود حقیقی انسان، نیل به کمال مطلق و قرب خدای سبحان است، فقط چیزی به حال راه و هدفش سودمند است که از خداوند باشد. آنگاه وصف ممتاز [هدایت](#)؛ را داراست و هر چیزی که از خداوند نباشد، [هوا](#)؛ است نه [هدی](#)؛؛ یعنی اگر برهان عقلی از خداوند حکایت نکند و بشر را به سمت او فرخواند، بی‌تردید هواسست، نه هُدا، و اگر دلیل نقلی نیز از آن ناحیه نباشد و به آن جهت راه ننماید، آن هم هواسست، نه هُدا. از این رو خداوند فرمود: **فَمَا يَأْتِيكُمْ مِّنْهُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ** (1).

آری، پیام آیه این است که هرگونه دلیلی، عقلی یا نقلی، باید از خداوند باشد و معیار و نصاب آن هم معلوم است؛ چنان که وقتی اثر مثبتی بر آن بار می‌شود که صرف تئوری و مفهوم ذهنی نباشد، بلکه به انسان سالک برسد. زیرا نصب علامت و طرح دلیل پیش از بلوغ به بشر، صبغه حجت خدایی ندارد و اگر بدان توجه و طبق آن عمل نشد، کیفر دوزخ را به همراه ندارد؛ یعنی هدایت الهی، برهان قطعی عقلی یا دلیل معتبر نقلی، گذشته از بلوغ علمی و رسیدن به نصاب حجیت و اعتبار، بلوغ عینی هم باید داشته باشد و به دست افراد مسئول برسد تا از هر جهت [حجت بالغ](#)؛ خدا باشد؛ **قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ** (2)، وگرنه ترك و مخالفت ناشی از جهل و سهو و نسیان و غفلت، هیچ پیامد منفی ندارد.

لازم نیست پیک الهی جداگانه با همه افراد برخورد داشته باشد و پیام خدا را به صورت دعوت خصوصی به آنها برساند، بلکه ارائه آن در مجتمع انسانی، به‌گونه‌ای که هر فرد آگاه و متبّع متعارف، پس از جست‌وجوی بدون عسر و حرج بتواند به آن دست یابد، کافی است.

هدایت الهی اعم از پیامبر و امام و ست و سیرت معصومانه آنان است؛ چنان که اعم از برهان عقلی و نقلی است. برای برخی سالکان رهیاب و گوه‌شناس و جامع شرایط علمی و عملی سلوک، شهود قلبی نیز پس از عَرَض بر شهود ولی معصوم، هدایت معتبر است. به هر حال، همه انسان‌ها، انبیا و امت‌ها، مشمول خطاب **يَأْتِيكُمْ** (3) هستند. زیرا اگر مقصود از هدایت، برهان عقلی یا شهود قلبی باشد، شمول آن به پیامبران روشن است، و چنانچه مراد از هدایت، پیامبر و امام باشد، شمول آن نسبت به خود آنان نیز آشکار است. چون دارای دو شخصیت هستند: حقیقی و حقوقی؛ شخصیت حقیقی آنان همانند همگان، مورد خطاب واقع می‌شود که باید در برابر شخصیت حقوقی خود، خاضع باشند.

1 - سوره بقره، آیه 38.

2 - سوره انعام، آیه 149.

3 - سوره بقره، آیه 38.

هدایت در قرآن، ص 31-33.